

پله‌های سنگی بازار کوچک «حَویش» بالا رفتیم و از کتابخانه عمومی حکیم و مسجد هندی و کوچه‌های فرعی بازار گذشتیم. در برخی از این کوچه‌ها مدارس علمیه قدیمی و آثار تاریخی دیده می‌شود که یکی از آنها مدرسه بزرگ آیه الله سید کاظم یزدی (صاحب عروة الوثقی) است که در روزگار شکوفایی و اوج والایی آن، آکنده از طلاب علوم دینی و پیشگامان معرفت بوده است، ولی امروز ستونهای این ساختمان فروریخته و کسی در آن یافت نمی‌شود.

بازار حَویش از کوچه‌های فرعی آن برخوردارتر نمانده و کهنگی و ویرانی بدان دست یازیده و پوسیدگی بدان ره یافته است و تو گویی از فرط ویرانی و کهنگی ناله سر می‌دهد و از سنگینی کهنسالی و درهم ریختگی، زیر فشارهایی بس سخت است، ولی باید گفت که گامهای دانشی مردان و پیشگامان بسیاری - در فراز و نشیب روزگار - بر زمین آن بوسه‌ها زده‌اند. چه بسیار دانشمندان بزرگ و فرهیختگان فرزانه که از این بازار گذشته‌اند! و چه بسیار در دورانی از سالهای پیاپی آن، پای افزار مردی بزرگ و فقیهی عالم بر آن گذشته است؛ پای‌افزاری که کوشک ستم و سرکشی را در هم کوفت و اریکه تکبر در ایران را زیر و زبر کرد، آری او کسی نبود مگر

گذری بر کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف

ناصر نجفی، ترجمه حمیدرضا آذیر

بنیاد پژوهشهای اسلامی

گروه قرآن و گروه ترجمه عربی

در بامداد روز دوشنبه ۲۰۰۳/۳/۲۵ م بر آن شدم تا به کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام بروم. از در باب القبلة صحن امیرالمؤمنین وارد خیابان رسول شدم و از

خمینی بتشکن. چه بسیار اوقات که او از خانه خود به قصد مسجد شیخ انصاری بیرون می‌شد تا برای طلبه‌ها درس خارج فقه و اصول تدریس کند. او از کوچه‌ای می‌گذشت که به خانه محقرش می‌رسید و بر سر راه از کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام گذر می‌کرد و لحظه‌ای بر آرامگاه علامه امینی علیه السلام، که در کنار این کتابخانه بود، درنگ می‌کرد تا به روح پاک آن سفر کرده فاتحه‌ای فرستد و آن‌گاه با آرامش و وقار راه خود را ادامه می‌داد و به طرف بازار حویش می‌رفت.^۱

همچنان که غرق در این خاطرات بودم تابلوی میخکوب شده در بالای یکی از کوچه‌ها نگاه مرا به سوی خود کشید که بر آن چنین نوشته شده بود: «کوچه ۵۷ / محله ۲۰۶، برزن حویش»، و این همان کوچه‌ای بود که به خانه امام خمینی علیه السلام می‌رسید. به آن سو رفتم و پس از پیمودن کوچه به در چوبی زیبایی رسیدم که از ساج ساخته شده بود و مرمری سیاه رنگ آن را دربر گرفته بود و بر بالای این در کاشی‌کاری شده بود و بر فراز آن با خط ثلث نوشته شده بود:

«کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام، و در کنار تابلو کتابخانه ابیاتی از اشعار محمد خلیلی نجفی آورده شده که اشاره به تاریخ تأسیس آن

دارد:

هَاهُنَا مَعَهْدُ عِلْمٍ شَادَهُ
رَجُلٌ الْحَزْمُ الَّذِي عَزَّ قَرِينَا
مَعَهْدٌ قَدْ قَامَ فِي انْشَائِهِ
عَزْمٌ فَرَدٍ قَدْ سَمَا عِلْمًا وَ دِينَا
مَنْ تَفَانِي فِي وَلَا حَيْدَرَةٍ
وَ بَنِيهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
شَيْخِنَا الْحَبِيبُ الْأَمِينِي الْأَذَى
رَاحَ فِي حَفْظِ الْوَلَايَةِ طُورِي السَّنِينَا
وَ أَنْ رَا بَايِنَ بَيْتٍ بِهَ پَايَانٍ مِي بَرْدٍ:
بِاسْمِ مَنْ قَدْ انْشَيْتُ أَرْخَ (بَلِي)

آنشتت باسم امیر المؤمنین)^۲
اینجا کانون علمی است که مردی بلند
همت آن را برپا کرده که کم نظیر است.
کانونی که عزم مردی آن را برافراشته که در
علم و دین اوج گرفته است.
آن که در ولایت علی حیدر و فرزندان پاک
و پاکیزه او جانفشانی کرد.
امینی، این دانشی‌مرد پیر ما که سالها را در
پاسداشت ولایت پشت سر نهاده است.

۱- گفتنی است حضرت امام خمینی علیه السلام هنگام اقامت در نجف اشرف از کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام برای مطالعه استفاده می‌کرد.

۲- مجموع اعداد حروف این جمله در حساب جمل، ۱۳۷۳ق، سال تأسیس این کتابخانه است.

این کانون با نام کسی برپا شده که تاریخ آن مجموع اعدادی است که از جمله «بلی، اُنشئت باسم امیر المؤمنین» به دست می‌آید.

در کتابخانه بسته بود. آن را کوبیدم تا آن را به روی من گشودند و از لای در یکی از کارکنان کتابخانه چهره نمود. اظهار تمایل کردم تا رئیس کتابخانه را ببینم. او مرا به اتاق رئیس کتابخانه در طبقه بالا برد. اجازه گرفتم و وارد شدم و پیش از او سلامش کردم و او سلام مرا نیکوتر پاسخ داد. دوستی صمیمانه سی ساله مرا به او پیوند می‌داد. او هم اکنون پایان دهه چهارم عمرش را سپری می‌کند و از فرزندگان و سرشناسان نجف شمرده می‌شود. به استقبال من شتافت و خوشامد بسیار گفت و به پرسشهای من با عنایتی فوق‌العاده و خلق و خوی نیکوی همیشگی و کمالاتی که پنهان نبود پاسخ می‌داد. او پشت میزی نشسته بود که در جلو آن پلاکارتی به چشم می‌خورد که بر آن چنین نوشته شده بود: «مدیر عامل، علی جهاد ظاهر الحسانی»

بنیانگذاری و برپایی کتابخانه

کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام را محقق توانا و علامه بزرگ شیخ عبدالحسین امینی رحمته الله نگارنده دائرة المعارف الغدير و سیرتنا و

سنتنا و شهداء الفضيلة و المقاصد العلمية و کتابهای ارزشمند دیگر بنیان نهاده است.

مرحوم امینی این کتابخانه را در زمینی به وسعت ۲۶۰ متر مربع بنیان نهاد. او این زمین را از سید حمزه بحر خریده بود. علامه امینی رحمته الله بر آن بود تا در کنار این مکان، کانون علمی همه‌جانبه‌ای را بر پا دارد که کتابخانه عمومی جهانی و چاپخانه و انتشاراتی و نهاد خیریه فرهنگی اسلامی‌ای در کنار خود داشته باشد و از پژوهشگاهی اسلامی و مهد کودک و مدرسه علمیه و انجمن فرهنگی خانوادگی و دیگر نهادها نیز برخوردار باشد و به همین سبب قطعه زمین بزرگی خریداری کرده بود که مساحت آن به ۱۷۵۰ متر مربع می‌رسید.

از میان این همه آرزوهای علامه امینی تنها کتابخانه عمومی تحقق یافت. مسئولان کتابخانه به یاری علمای اعلام می‌کوشند خواسته علامه امینی رحمته الله را تحقق بخشند.

انگیزه بنیانگذاری و برپایی این کتابخانه، نیاز مبرم علما به کتابهای گوناگون بود، به ویژه آنکه شهر نجف اشرف - از گذشته تاکنون - کانون علم و علما و انجمن اندیشه و ادبا بوده و هست و طرح تأسیس کتابخانه‌ای در چنین محفل علمی امری بسیار ضرور است تا سرچشمه‌ای باشد

برای تشنگان و آبخواری برای عاشقان.

بخشهای کتابخانه

این کتابخانه بخشهای زیر را در سه طبقه

جای داده است:

- ۱- گاهنامه و اسناد
- ۲- زبانهای بیگانه
- ۳- انبار کتاب
- ۴- سالنهای مطالعه
- ۵- کتب خطی
- ۶- رایانه
- ۷- عکسبرداری و آزمایشگاه
- ۸- نگهداری و بازسازی کتب
- ۹- فهرست‌نویسی و طبقه‌بندی
- ۱۰- بخش حاج یوسف حارس
- ۱۱- امانت
- ۱۲- رئیس کتابخانه و سالن پذیرایی از مهمانها
- ۱۳- بخش اداری
- ۱۴- نگهبانی
- ۱۵- مخزن کتابهای اصلی، شامل علوم زیر در چهار طبقه:

أ: قرآن، حدیث و فقه

ب: اصول، تاریخ، تراجم، رجال و لغت.

ج: ادبیات، شعر، فلسفه، حقوق، پزشکی،

علوم طبیعی و پایان‌نامه‌ها.

علامه امینی با همت والا و اراده پولادین خود توانست کتابهای این کتابخانه را از جای جای جهان اسلام و کشورهای اسلامی همچون انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی سابق گرد آورد. در آن هنگام شمار عناوین کتابهای این کتابخانه به ۱۵۰۰۰ می‌رسید. علامه در کنار همه اینها از پشتیبانی بازرگانان عراق و ایران و عموم مردم ایران نیز برخوردار بود.

برخی از دانشمندان و نیکوکاران تمام کتابهای کتابخانه شخصی خود را به این کتابخانه اهدا کردند و آن که در این میان گوی سبقت را از همه ربود آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی بود که هنگام اقامت در نجف همه کتابهای خود را به این کتابخانه اهدا کرد. پس از ایشان مرحوم حاج یوسف حارس، یکی از بزرگان نجف، کتابخانه خود را با ۱۵۰۰۰ عنوان کتاب به این کتابخانه اهدا کرد و مرحوم حاج محمد سعید شمس نیز کتابخانه خود را با ۴۰۰۰ عنوان به این کتابخانه داد.

این کتابخانه هم اکنون بیش از نیم میلیون عنوان کتاب اعم از چاپی، خطی و گاهنامه را در خود جای داده است.

د: عقاید، اخلاق، عرفان، ریاضیات، تعلیم و تربیت، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی.

در سال ۱۹۹۴م بخش ویژه پژوهشگران در طبقه ۱- که «مرکز احیای تراث امیر» نامیده می‌شود و تشکیلات داخلی خاص خود را دارد، راه‌اندازی گردید.

امتیازات کتابخانه

یکی از امتیازات کتابخانه عمومی امیرالمؤمنین علیه السلام کمیّت و کیفیت نسخه‌های خطّی است که شمار آن در همه علوم و فنون همچون قرآن، حدیث، فقه، اصول، ادب، تاریخ، روان‌شناسی، منطق و کلام به ۱۲۰۰۰ می‌رسد که در رایانه موضوع‌بندی و عنوان‌بندی شده است.

این کتابخانه در این زمینه در استانهای نجف، کربلا، حلّه و دیوانیه نخستین کتابخانه به‌شمار است و در تمامی عراق جایگاه دوم را داراست و پس از مرکز مخطوطات وابسته به آثار عراق قرار دارد. کتابخانه امیرالمؤمنین این اندوخته کلان خطّی را از طریق خرید، اهدا یا وقف به دست آورده است.

بیشتر نسخه‌های خطّی از سوی علامه

امینی علیه السلام و حاج حسین شاکری که در آن هنگام دست راست علامه بود عکسبرداری شده است.

حاج حسین شاکری در تملک بیشتر کتابخانه‌های وقفی آثار خطّی و چاپی و ادغام آن در کتابخانه امیرالمؤمنین نقش بسزایی داشت.

یکی دیگر از امتیازات این کتابخانه آن است که نخستین کتابخانه در عراق شمرده می‌شود که رایانه را به کارگرفت و همه کتابها و گاهنامه‌ها را با کمک آن فهرست‌بندی کرد تا به پژوهشگرانی که در پی یافتن کتاب یا موضوعی هستند این امکان را بدهد که با کمترین تلاش و سریع‌ترین زمان به آنچه می‌خواهند دست یابند.

معمولاً کار فهرست‌برداری و آمار کتابها همه ساله در دو ماه جولای و آگوست انجام می‌شود و کتابخانه در این دو ماه تعطیل است و کارمندان آن سرگرم فهرست‌برداری از کتابهای جدید و پاکسازی کتابها و زدودن آفتهایی می‌شوند که به کتابها آسیب می‌رساند. نسخه‌های خطّی نیز با موادی چسبی اندود می‌شود تا همه قسمت‌های آن از نابودی و خوردگی مصون بماند.

فعالیت‌های کتابخانه

بدون تردید برجسته‌ترین فعالیت‌های این کتابخانه در کار «مرکز احیای تراث امیر» جلوه‌گر

است که در سطح تحقیق کتابها و انتشار آنها صورت می‌پذیرد؛ زیرا این مرکز مجموعه‌ای از کتب چاپی را بیرون داده است که از سوی کمیته تحقیق و تألیف در علوم گوناگون همچون علوم قرآنی، حدیث، فقه و اخلاق فراهم آمده است و شماری از آنها با استقبال بی‌نظیری روبه‌رو گشته است و علما و ادبا آنها را فراهم کرده‌اند. از شمار این کتابهاست: التنبیهاث العلیّه، منیة المرید شهید ثانی، إِبصار العین فی انصار الحسین از علامه محمّد ظاهر سماوی، هدیه الملوك فی السیر و

السلوك از ابوطالب همدانی. این کتابخانه فعالیت‌های ممتاز دیگری همچون داد و ستد مهارتها و نسخه‌های خطی عکسبرداری شده با بزرگ‌ترین کتابخانه‌های جهانی، به ویژه کتابخانه‌های هند و شام و ایران را انجام داده است. کارکنان این کتابخانه در این مرحله می‌کوشند اتفاق کلمه ایجاد کنند و به ترمیم شکستگیها بپردازند و میان دو کشور مسلمان ایران و عراق آب را در مجرای خود روان کنند؛ زیرا رژیم سابق

مانع از آن بود که میان دو ملت پل دوستی و برادری کشیده شود و به ویژه می‌کوشید میان مسلمانان شیعه و سنی تفرقه افکند، ولی تلاشهایش با شکست روبه‌رو شد (وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ).

امید است این یادآوری و دیدار دوستانه که توسط مجله مشکوة - انتشار یافته از سوی بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی - منعکس می‌شود آغازی باشد برای استوارسازی پیوندهای دوستی و انگیزه‌ای برای همکاری این

دو نهاد فرهنگی، چنان که علامه امینی رحمته الله نیز همین مقصد را دنبال می‌کرد. علامه امینی در بند ششم حجیت وقف و تولیت به اداره شدن کتابخانه عمومی امیرالمؤمنین علیه السلام از سوی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی - در شرایط خاص - اشاره دارد و می‌گوید:

«اگر گرداندن بخش مالی این کتابخانه بر متولیان دشوار شد و دیگر نتوانستند کارهای آن را پیش بزنند یا متولیان آن منقرض شدند کار این کتابخانه به کتابخانه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در خراسان واگذار می‌شود و پیشبرد این کتابخانه و پرداختن به کارهای آن و

ساماندهی بدان و هزینه‌های آن بر دوش آن کتابخانه نهاده می‌شود».

علامه امینی به من گفت: آقا بزرگ! شتاب مکن، هنوز روز تو نرسیده است و این برای ماست نه شما.

یک خواب شگفت‌آور

استاد علی جهاد ظاهر الحسانی پیش از آنکه از او خداحافظی کنم و به زیارت مرقد علامه امینی رحمته‌الله رهسپار شوم، سخن شیرین خود را با بازگفت خوابی به پایان برد که از جایگاه والای این عالم محقق و اندیشمند روشن‌اندیش حکایت دارد. این خواب را سید محمد صادق بحرالعلوم و سید مهدی خراسان به نقل از شیخ فقیه و عالم وجیه مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی بازگفته‌اند. او می‌گوید: سید مهدی خراسان به من گفت که شیخ آقا بزرگ تهرانی رحمته‌الله به من گفت شبی در خواب دیدم که روز رستخیز است و مردم در صفی طویل ایستاده‌اند تا از حوض کوثر سیراب شوند و امیر المؤمنین علیه‌السلام بر سر حوض بود و همه را سیراب می‌کرد و آستینهای خود را بالا زده بود و بازوی او از برف سفیدتر بود و چهره و چشمانش می‌درخشیدند.

در این میان علامه امینی را دیدم که در صف ایستاده بود و نفر پنجم به حوض بود. پس به او نزدیک شدم و بر او درود فرستادم و او نیز به من درود فرستاد. من به او گفتم: می‌روم و در آخر صف می‌ایستم، شاید که من نیز از آب کوثر بنوشم.

او می‌گوید: من در کناری ایستادم تا ببینم برای علامه امینی چه پیش می‌آید. پس چون نوبت او رسید و نزدیک کوثر شد و امیر المؤمنین علیه‌السلام او را دید فرمود: امینی! این تویی؟ ظرفی را که حضرت علیه‌السلام با آن به مردم آب می‌داد به کناری افکند و آب را با دو دستش برگرفت و نزدیک دهان علامه آورد و او را از آن آب نوشاند در حالی که می‌فرمود: گوارایت باد که این آب از غدیر توست ای امینی.

علامه آقا بزرگ تهرانی این خواب را یک ماه پس از رحلت علامه امینی رحمته‌الله دیده بود و دو ماه پس از دیدن این خواب خود او نیز به رحمت ایزدی پیوست و این همان سال درگذشت آیه‌الله العظمی سید محسن حکیم رحمته‌الله (۱۹۷۰م) بود. آنچه در پایان این دیدار آکنده از اشتیاق و دوستی همراه با موفقیت و کامیابی مرا می‌رسد این است که سپاس و بزرگداشت فراوان خود را به استاد علی جهاد ظاهر الحسانی، مدیر عامل کتابخانه عمومی امیر المؤمنین علیه‌السلام، و همه کارکنان آن تقدیم دارم که با اخلاقی والا همراه با خردمندی و مهمان‌نوازی سرگرم خدمت در این نهاد هستند.

نجف اشرف ۲۰۰۳/۹/۱ م ①